

مطالعه تطبیقی نقش سیمرغ در منسوجات ساسانی، صفوی و قاجار

چکیده

هنر دوران ساسانی به عنوان چکیده‌ای از هنر تمامی اعصار ایران بشمار می‌رود بیشترین مشخصه هنر ساسانی نقوش تزیینی آن است و یکی از تجلیات این نقوش در منسوجات ساسانی است که تاثیر عمیقی بر هنر ادوار و ملل مختلف تاریخ گذاشت. در دوره صفوی نیز به علت حمایت حاکمان وقت صنعت نساجی به‌ویژه قالبیابی از پیشرفت چشمگیری برخوردار بوده است. قالی‌های سده دهم هجری در زمره باشکوه‌ترین نمونه‌های باقی مانده آن دوره است. بیشتر شهرهای صفوی پیشرفت قابل توجهی در پارچه بافی داشته‌اند. شماری از مستشرقان بهترین منسوجات را متعلق به کاشان دانسته‌اند. دوره قاجار بدترین دوره در تمام تاریخ ایران برای صنعت نساجی است از یک سو سیل پارچه‌های خارجی به ایران سرازیر شد و از طرف دیگر ضعف حکومت و عدم علاقه پادشاهان به صنایع موجب گردید که هیچ جنبشی در زمینه بافندگی به وجود نیاید.

محمد میر جلیلی^۱ | صدیقه شول^۲

نقوش حیوانی در منسوجات

ابتدا لازم است بدانیم نماد چیست؟

نماد، عدد رمز است، تنها وسیله گفتن چیزی است که به طریقه دیگر قابل فهم نیست. نماد هرگز به یک صورت بیان نمی‌شود، بلکه هر بار باید کشف رمز شود. استفاده از نقش بعضی از پرندگان و جانوران نیز مانند سیمرغ، خروس، طاووس، عقاب، شیر و گراز نیز به عنوان عناصر نمادین مورد توجه بوده است. از نمادهای حیوانی میتوان سیمرغ را نام برد در یک داستان قدیمی ایرانی آمده که سیمرغ قبل از اینکه خودش را در آتش بیندازد ۱۷۰۰ سال عمر می‌کند و نقل قولی دیگر هست که او تا ابد زندگی می‌کند. در تصویر زیر سیمرغ را نقش بر پارچه نشان می‌دهد. جفت سیمرغ متناوباً پشت به پشت و رو در رو (در دایره‌های مروارید نشان) بر زمینه قرمز نقش شده‌اند. حیوانات از جمله پدیده‌ها هستند که پیوندی دیرینه و ناگسستنی با زندگی انسان برقرار کرده‌اند.

در به تصویر در آوردن حیوانات در ایران باستان، دو

گرایش به چشم می‌خورد. موضوع تصویر شده از حالت کاملاً واقع‌گرایانه‌ای برخوردار بود و از طرفی وقتی نقش مایه کاملاً واضح و آشکار نبود- به شکلی کاملاً منظم و در عین حال خشک و رسمی ترسیم می‌شد که در برخی موارد حتی به محدوده‌های انتزاع و تجرید نیز می‌رسید.

نقوش حیوانی در هنر ساسانی بیش از سایر نقوش و نمادها خود را جلوه‌گر می‌سازند. جانورانی با ویژگی‌های عجیب از جمله همراه داشتن حلقه‌های مروارید نشان و نوارهای موج که دور سر، گردن و بدنشان بسته شده است و یا موجودات ترکیبی از جمله اسب بالدار و سگ پرنده با دم طاووس. «سیمرغ ساسانی»

نقش حیوان اسطوره‌ای «سیمرغ» در منسوجات

یکی از حیوانات خیالی ایرانیان، که خصوصاً در دوره ساسانی اهمیت فراوان داشته: «سین مرو» یا سیمرغ اوستایی است که دارای تیایع مختلف شیر و عقاب یا شاهین بوده است و تجسم الهه بزرگ آب‌های

آسمانی و زمینی «اردوی سورا» یابه نام معروف‌تر «ناهید/آناهیتا» بوده است. سیمرغ در کالبد ایزدان و مهین فرشتگان نیز حلول می‌یابد اما حلول سیمرغ در کالبد ایزد پیروزی/ایزد بهرام تنها دلیل اهورایی بودن سیمرغ نیست. کلمه سیمرغ در اوستا به صورت «مرغوسن» آمده که جز نخستین آن به معنای مرغ است و جز دوم آن با اندکی دگرگونی در پهلوی به صورت «سین» و در فارسی دری «سی» خوانده شده است و به هیچ وجه نماینده عدد سی نیست، بلکه معنای آن همان «شاهین» می‌شود. چنان که سن/سین/سینه. ویژگی‌های عقاب یا شاهین دارد. (رنجبر، ۵۰:۱۳۹۲)

سیمرغ به‌عنوان پرنده خوش یمن، مبارک و با شکوه برای تاکید بیش‌تر برتری شاه و به‌ویژه روی لباس شاه و برگزیدگان خاندان سلطنتی دیده می‌شود و نشان شاهانه ساسانیان است. سیمرغ از علایم و نشانه‌های نجاست و با خدای محافظ سروکار دارد و هر کس آن را داشته باشد از شر دشمن در امان

است و نیروهای زمینی و کیهانی پادشاه و پشتیبان اوست. همچنین سیمرغ موجود افسانه بالدار با سر سگ، پنجه شیر و دم طاووس نیز در هنر ساسانی متداول بوده است (تصویر ۱) عقاید و باورها اقوامی چون آشوری‌ها و هیتی‌ها درباره‌ی گریفین باعث شد که تصویر سیمرغ با گریفین در آمیزد و از حیوانی به شکل ساده چون عقاب صلح‌طلب، حیوانی مرکب از سگ، شیر و طاووس و شاهین پدید آید و خوی جنگجویی داشته باشد. نقشی که نشان سپاه ایران بوده و بر کلاه شاهان نصب شده و بر مهرهای ساسانی با عنوان نمادی از شکوه و جلال شاهنشاهی ساسانی دیده می‌شود. پادشاهان ساسانی قایل بودن ماهیتی ربانی برای مقام پادشاهی را که فره ایزدی (اوستای، خوره) عنوان داشت ترویج می‌کردند و علاوه بر سیمرغ مخلوقات دیگری از متون اوستایی را نیز به این مفهوم مرتبط می‌ساختند، که نیز با حلقه‌ها و نوارهای موج بر جامه و تاج و کلاه شاه تجسم می‌یافت. (همان، ۵۰:۱۳۹۲)

نقوش برجسته طاق بستان روی نزدیک به بیست و پنج پارچه مختلف مخصوص سلسله ساسانی، دیده شده است. از این میان، پارچه که لباس خسرو پرویز از آن دوخته شده است، از همه مشخص‌تر است. روی این پارچه تصویر یک اژدها-طاووس، پرنده افسانه‌ای که در داستان‌های حماسی «سیمرغ» نامیده می‌شود،

(تصویر ۱) که به طور مستمر در ظروف نقره ساسانی دیده شده است. این طرح به روش دقیق، با پارچه دوران ساسانی همسانی دارد که با اشیای مذهبی آراسته شده است. (همان، ۵۱:۲۹۳۱)

بدن و سرسگ و شیر، یا در برخی موارد دیگر چهارپایان، نماد زمین، بال‌های پرنده نماد آسمان و پولک و فلس‌های ماهی پوشش بدن نماد آب می‌باشد. (طاهری، ۱۸:۱۳۸۸)

سیمرغ یا سئین (Saena) مرغی افسانه‌ای در آئین زرتشتی و آئین مذهب آریایی پیش از آن است، خانه‌اش بر فراز درخت «گتوکرن» یا درخت «همه تخمه» در میان دریای فراخکرت است. سئین وقتی که از میان درخت به پرواز در می‌آید، هزار شاخه «گتوکرن» به زمین می‌ریزد، نیز هنگامی که بر فراز درخت می‌نشیند هزار شاخه دیگر درخت می‌شکند و بر زمین می‌ریزد و بدین ترتیب تخمه موجود در شاخه‌های درخت بر زمین می‌ریزد و گیاهان از انواع گوناگون بر زمین می‌روید. هم چنین گفته می‌شود که پر سیمرغ خاصیت مرهم و مداوای تمامی زخم‌ها حتی زخم‌های زهرآگین را دارد. پس پرواز سیمرغ سبب باروری و حاصل‌خیزی زمین می‌شود. با این تفصیل می‌توان به جایگاه والای این پرنده اسطوره‌ای در جامعه متکی بر اقتصاد کشاورزی و دامداری پی برد.

یکی از حیوانات خیالی ایرانیان که به خصوص در دوره‌های ساسانی اهمیت فراوانی داشته «سین مرو» یا سیمرغ است که دارای طبایع مختلف شیر و گرگ و پرونده بوده است. سر آن کمی شبیه گرگ و کمی مانند شیر یا پلنگ است، تنه حیوان پستانداری را نمایش می‌دهد، پاها و بال‌ها، عقاب می‌ماند. این جانور که می‌گفتند بر بالای «درخت همه تخمه» آشیان دارد و درخت بر برکه «ورو کشه» روئیده است، تجسم آلهه بزرگ آب‌های آسمانی و زمینی یعنی «اردوی سور» یا به نام معروف «ناهید» بوده است. (پوپ ۱۳۳۸:۵۶)

تصویر این موجود افسانه‌ای با بال و سر دم پرنده و بدن و پنجه‌های شیر، نقش طوقی به دور گردنش به مدت زمانی بیش‌تر با گچ‌بری پارتی در قلعه یزدگرد نشان داده شده بود. («مک‌داول، ۷۳:۱۳۷۴)

سیمرغ: اوستا Saena به فارسی میانه Senmorw طبق بندهش نخست از مرغان سیمرغ سه انگشته بود، او بزرگترین مرغان است ولی سرور آنان نیست، زیرا کرشفت سرور است. با این همه سیمرغ ارزشمندترین مرغ جهان است. سیمرغ پرنده‌ای بچه‌زا و پستاندار است. وقتی هفت کشور پدید آمدند، سیمرغ به دریای فراخکرد رفت و بر درخت بس تخمه منزل گزید. هر سال سیمرغ آن درخت را بیفشاند، آن تخم‌های فروریخته در آب آمیزد، بیشتر آنها را با آب بارانی ستاند، به کشورها باراند. زردشت در دومین دیدار خود در مجمع امشاسپندان به زیارت بهمن رفت و در آنجا از مرغان با سیمرغ دیدار کرد. در خصوص سیمرغ باید گفت نقشی که پرندگان در فرود آوردن سروش آسمانی بازی می‌کنند در ادبیات متأخر منجر به تجلی سیمرغ به عنوان مظهر عقل کامل می‌گردد. (قلی‌زاده، ۲۸۴:۱۳۸۷)

بس تخمه (گیاه): بس تخمه یا همه تخمه، درختی است در میان دریای اساطیری فراخکرد، که تخمه همه گیاهان از این درخت است و سیمرغ بر آن آشیان دارد. نام‌های دیگر آن نیکو پزشک، کوشا پزشک، همه پزشک است. (همان: ۱۳۰)

سیمرغ پرنده افسانه‌ای که حیات خود در فرهنگ و هنر ایرانی در پس از اسلام را علاوه بر حافظه مذهبی، تاریخی، هنری و صوری مردمان این مرز و بوم، مدیون شاهنامه؛ حماسه عظیم فردوسی



تصویر ۱- نقش سیمرغ



بعد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

منابع و ماخذ

- ایرانشهرجلد دوم. کمیون ملی یونسکو. نشریه شماره ۲۲-۱۳۴۳
- پوپ-ا. شاهکارهای هنر ایران. ترجمه پرویز ناتل خانلری. تهران- انتشارات علمی و فرهنگی- ۱۳۸۰
- دکتر عباس نامجو و سید مهدی فروزانی. مطالعه نماد شناسانه و تطبیقی عناصر نقوش منسوجات ساسانی و صفوی. فصلنامه هنر. علم و فرهنگ. شماره ۱- ریاضی- محمد رضا. طرح ها و نقوش لباس ها و بافته های ساسانی. تهران. گنجینه ی هنر. ۱۳۸۱

- زابلی نژاد. هدی. مطالعه تطبیقی تصویری نقوش پارچه های ساسانی و قاجار. کتاب ماه هنر. بهمن ۹۰ شماره ۱۶۱

- زکی- محمد حسن. تاریخ صنایع بعد از اسلام. ترجمه محمد خلیلی. نشر اقبال. ۱۳۶۶

- سیوری- راجر. ایران عصر صفوی. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران. نشر مرکز- ۱۳۷۲

- شریعت پناهی- سید حسام الدین. اروپایی ها و لباس ایرانیان. تهران. نشر قومس. ۱۳۷۲

- طالب پور- فریده. تاریخ پارچه و نساجی در ایران. تهران- دانشگاه الزهرا- ۱۳۸۶

- طاهری- علی رضا. تاثیر سیمرغ بر روی هنر اسلامی- بیزانسی و مسیحی. نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی- شماره ۳

- فریه- دبلیو. ر. هنرهای ایران. ترجمه پرویز مرزبان. تهران- فرزانه- ۱۳۷۴

- کریستن سن- ارتور. ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. ۱۳۵۱

- مشیر پور- میرمحمد. تاریخ تحول لباس در ایران. مشهد. انتشارات زوار و پسران. ۱۳۴۵

- هنزاه ای- هادی. فصل نامه هنر. شماره ۶. تابستان و پاییز ۱۳۶۳

پی‌نوشت

- ۱- عضو هیئت مدیره جامعه متخصصین نساجی ایران و عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی نساجی دانشگاه آزاد اسلامی یزد
- ۲- دانشجوی دکترای شیمی نساجی و علوم الیاف دانشکده مهندسی نساجی دانشگاه آزاد اسلامی یزد

تزیینی پرکننده زمینه پر شده است. هدهد پرنده‌ای است که از دیرباز در نزد ایرانیان خوش یمن و نشان نیک بختی تلقیمی شده است. بعد از اسلام نیز با توجه به داستان حضرت سلیمان در کلام الله مجید هدهد به عنوان پیک مخصوص حضرت سلیمان معرفی شده است. این پرنده در فرهنگ ایرانی همچنان به عنوان پرنده خوش یمن و پیک خوش خبر مورد توجه بوده است.

قرارگیری دو پرنده یکی افسانه‌ای؛ سیمرغ و دیگری هدهد در کنار یکدیگر آن هم در دو طرف درخت زندگی شان نقشی سراسر حاکی از زندگی، نیک بختی و خوش یمنی دارد. (زابلی، ۱۳۹۰: ۱۰۴)

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی پارچه‌ها از نظر ویژگی نقوش در دوره‌های مختلف هنر دارای تغییر و تحولات بوده است.

نقش تزیینی سیمرغ در فرهنگ و هنر ایرانی-اسلامی جایگاهی فراتر از زیبایی ظاهر دارد اگر زیبا جلوه دادن آثار هنری خود یکی از شاخصه‌های مهم هنر ایرانی است ولی این هنر از ارزش‌های والاتری هم برخوردار است هر نقش فقط رنگ و شکل نیست بلکه معنایی هم دارد در حقیقت ظاهر هر نقش در هنر اسلامی در آغاز، در حکم دیدن یک معنای نادیدنی و باطنی است. نقوش منسوجات ساسانی با مشخصه ترکیب‌بندی متقارن همراه با قاب تزیینی و مضمون اسطوره‌ای - نمادین قابل تعریف می‌باشد در مقابل، نقوش صفوی نیز با مشخصه گرایش ترکیب‌بندی‌های آزاد و مضمون مناظر طبیعی، تزیینی را دارا می‌باشد و همچنین در دوره قاجار نقوش بر طبق سنت هنر ایرانی ادامه دارد.

این طرح نه تنها برداشتی صادقانه از طبیعت متنوع ایران بوده بلکه مذهب، ادبیات، آداب و رسوم و سنن مردم ایران نیز به آفرینش جنبه‌های رازآمیز آن کمک کرده است. تنوع طرح‌ها و نقوش این دوره‌ها نه تنها سرزمین ایران آن روز را در گستره خود قرار داده بلکه شمال آفریقا، کشورهای خاورمیانه، آسیای مرکزی و بخش‌هایی از اروپای شرقی و جنوبی و نیز کشور دور دستی چون ژاپن از تاثیر آن بی‌نصیب نبوده است. علاوه بر آن پس از سقوط این سلسله‌ها تا سده‌های بعدی این نقوش فراموش نگردیده و در آثار دوره‌های

طوسی است. پسبا حفظ ویژگی‌ها و خصوصیات اصلی از جمله اینکه پر او منادی کمکخواهی حق از نیروهای ماورائی است، چنانچه اهورامزدا پر سیمرغ را به زرتشت داد تا هر زمان که در مقابل کافران، به یاری بهمن امشاسپند نیاز داشت با آتش زدن آن از بهمن استمداد خواهد. سیمرغ شاهنامه نیز پر خود را به زال و پسرش رستم داد تا با آتش زدن آن، در جنگ با دشمنان ایران زمین هر زمان که نیاز به استمداد داشتند سیمرغ به کمک آنها بشتابد. هم چنین خاصیت درمان‌بخشی و مرهمی‌ت پر سیمرغ چه در اوست و چه در داستان جنگ رستم و سهراب، هم‌چنان در فرهنگ و هنر ایرانی جایگاهی والا به خود اختصاص داد. نکته جالب توجه در این مورد این پرنده ایناست که با گذشت زمان از چهره وحشی، درنده و عجیب و شاید بتوان گفت تا حدودی ترسناک آن کاسته شد. چنانچه در پارچه‌های دوره قاجار شاهد پارچه‌هایی هستیم که به احتمال به عنوان پرده یا حتی سجاده نماز با توجه به طرح محرابی آن مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

مقایسه تطبیقی سیمرغ در تصاویر سه دوره

سیمرغ ساسانی در مانند حجمی اشباع شده از نقوش هندسی ترسیم و از پایین به طرف بالا حجیم‌تر می‌شود و نیم دایره‌ای را تشکیل می‌دهد. سطح دم بوسیله فرم‌های هندسی پوشیده و تزیین شده است. از نمای جانبی ترسیم شده و رسم آن تمایل به تطبیق با کادر دایره دارد. (نامجو و فروزانی، ۱۳۹۲: ۳۱)

سیمرغ در منسوجات صفوی تقریباً با اوصافی که از آن در منابع ادبی و اساطیری رفته مطابقت دارد. پرنده‌ای بزرگ با بال‌ها و دم‌های متعدد و بلند و پیچان و دهان منقار گونه از مشخصات آن است و به فیزیک واقعی پرندگان شباهت بیشتری دارد. (نامجو و فروزانی، ۱۳۹۲: ۳۱)

در این پارچه نقش دو سیمرغ قرینه رودروی هم در دو طرف بوته گلی قرار گرفته که شاید بتوان از آن به عنوان درخت زندگی در اندیشه طراح قاجاری نام برد. در بالا نیز چهار پرنده که احتمالاً هدهد باشند به صورت جفت جفت به فاصله از یکدیگر (به صورت قرینه) به سمت بوته گل در حال پروازند، اطراف نقش اصلی نیز با شاخ و گل‌های آذین‌گری شده به عنوان نقشی